



## گزارش «جالبی» از فعالیتهای مذهبی: انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا و آمریکا

«در میان صدها نامه‌ای که از طرف جوانان مسلمان ، از ایران ،  
و خارج ایران مرتباً بما می‌رسد ( و در آنها مشکلات و پرسشهای  
«مذهبی خود را با مادر میان می‌نهند و پاسخهای لازم را دریافت  
«می‌دارند) اخیراً نامه‌ای از یکی از خوانندگان محترم مجله از  
«خارج به ما رسید که در آن گزارشی از کوششهای دینی جوانان ،  
«بر و مندرجه مسلمان در اروپا و آمریکا ، داده شده بود .»

«این نامه که مایه بسی خوشوقتی و امیدواری است ، برای بار ،  
«دیگر نشان میدهد که غرب و مادیگری ، علیرغم جلوه‌های فریبنده ،  
«اش ، در قبال روح ارزنده اسلام و سلاح عقیده و ایمان ، سست ،  
«و بی بنیاد است ... این نامه بخوبی نشان میدهد که اگر جوانان ،  
«هائیس از تربیت صحیح و پس از آشنائی با حقایق اسلامی ،  
«از ایران خارج شوند و برای ادامه تحصیل با اروپا و آمریکا ،  
«بروند ، نه تنها از راه راست و حقیقت و آئین خدائی دور نمیشوند ،  
«بلکه در راه پیشبرد رسالت جهانی اسلام ، و وظیفه تبلیغی خود را ،  
«و بنحو کاملی انجام میدهند .»

«ما ضمن چاپ متن کامل این نامه ؛ امیدواریم که مطالعه آن ،  
«و سر مشق نیکی برای همه جوانان مسلمان در راه کوششهای اسلامی ،  
«بشود .»

مقدمه :

جنبش فکری و عقیدتی اسلام ، پس از گذراندن دوران فقرتی ، بار دیگر در گوشه و کنار  
کشورهای اسلامی نضج میگیرد . اهلپ فروزان این جنبش ، با وجود موانع بی شمار ، به توده‌های

روشنه‌گرو تحصیل کرده نفوذ نموده و ریشه‌های عمیقی برای تحقق آن فراهم میسازد. آنرا چنین جنبشی که بایستی آنرا نقطه تحول و عطنی در تاریخ امت اسلامی قلمداد نمود، پس از ورود جوانان مسلمان که برای ادامه تحصیل بکشورهای اروپائی و آمریکائی میروند بصورت تشکیل انجمنهای اسلامی دانشجویان متبلور گردیده است.

گزارش زیر شرحی از فعالیت انجمن‌های اسلامی دانشجویان در آمریکا و اروپا است که از نظر خوانندگان محترم میگذرد، این گزارش از روی نشریات انجمن‌های مزبور تهیه گردیده است و برای مزید اطلاع خوانندگان ما خذآن در پاورقیها درج شده است.

\* \* \*

## قسمت اول - در آمریکا

### انجمن‌های محلی

مطابق گزارش نشریه خبری انجمن اسلامی دانشجویان در آمریکا و کانادا، (۱) بنام الاتحاد (۲) در ۱۸ دانشگاه از نقاط مختلف آمریکا و کانادا انجمن‌های اسلامی دانشجویان محلی تشکیل گردیده است.

این دانشگاهها عبارتند از:

و دانشگاه هاروارد - در شهر کیمبریج ایالت ماساچوست (۱) دانشگاه دولتی اوکلاهوما - در شهر ستیل داتر ایالت اوکلاهوما (۲) دانشگاه دولتی کانزاس - در شهر مانهاتن ایالت کانزاس (۳) دانشگاه دولتی اوهایو - در شهر کلایموس ایالت اوهایو (۴) دانشگاه ماک گیل - در شهر مونترال کانادا (۵) دانشگاه ساسکاتون - در شهر ساسکاتون کانادا (۶).

و دانشگاه کانزاس - در شهر نورنس ایالت کانزاس (۷) دانشگاه ایلی نوی - در شهر اوربانا ایالت ایلی نوی (۸) دانشگاه میشیگان - در شهر آن آربر ایالت میشیگان (۹) دانشگاه میسوری - در شهر کلمبیا ایالت میسوری (۱۰) دانشگاه دولتی نیومکزیک ایالت نیومکزیک (۱۱) دانشگاه نیویورک - ایالت نیویورک (۱۲).

دانشگاه پنسیلوانیا - در شهر فیلادلفیا ایالت پنسیلوانیا (۱۳) دانشگاه ایلی نوی جنوبی در شهر کاربوندل ایالت ایلی نوی (۱۴) دانشگاه ویسکانسین - در شهر مدیسون ایالت ویسکانسین (۱۵) دانشگاه دولتی اورگان - در شهر کوروالیس ایالت اورگان (۱۶) دانشگاه هونولولو در

۱- The Muslim Students Association of U. S. & Canada

طرز تشکیل و برنامه این انجمن در این گزارش خواهد آمد.

۲- Al-ittihad شماره يك سال ۱۹۶۳

شهر هونولولو ایالت هاوایی (۱۷) دانشگاه استانفورد - ایالت کالیفرنیا (۱۸) (۱) .  
 بلاوه و انجمن اسلامی دانشجویان در آمریکا و کانادا، در ایالات جورجیا (۱) نبراسکا (۲)  
 نیوهمپشیر (۳) نیوجرسی (۴) تنسی (۵) تکزاس (۶) واشنگتن دی - سی (۷) پورتوریکو (۸)  
 داکوئای جنوبی (۹) نووا اسکوتیا (۱۰) ادمنتون (آلبرتا) (۱۱) و همچنین نیوبرونزویک (۱۲)  
 در کانادا دارای اعضای است که مستقیماً با دبیرخانه انجمن در تماس هستند (۲) .

### فعالیت انجمن های ملی

برای اینکه خوانندگان گرامی به طرز کار، شکل سازمانی و نوع فعالیتهای این انجمن -  
 های محلی آشنا شوند بتوان نمونه به معرفی یکی از این سازمانهای یعنی انجمن اسلامی دانشجویان -  
 یان در دانشگاه ایلی نوی، واقع در شهر اوربانا - ایالت ایلی نودی می پردازیم (۳) .

### موقعیت و گذشته انجمن ایلی نوی (۴)

دانشگاه ایلی نوی که تقریباً در قلب آمریکا واقع شده دارای ۲۷ هزار دانشجوی است که  
 حدود ۲ هزار نفر آنها خارجی و از حدود صد کشور مختلف میباشند . بین این عده در حدود  
 ۲۵۰ نفر از کشورهای مختلف اسلامی میباشند و همگی آنها مطابق اساسنامه انجمن مزبور عضو  
 محسوب میشوند . صرف نظر از فعالیتهای رسمی و سخنرانیها و جشنهای بزرگ که تعداد  
 زیادی شرکت مینمایند معمولا حدود ۲۰ درصد این عده در فعالیتهای عمومی انجمن شرکت  
 می جویند .

حدود صدسال از عمر این دانشگاه میگذرد . از آن موقعی که تعداد دانشجویان مسلمان  
 به حد قابل ملاحظه ای رسیده است ، در هر دوره ای با توجه به امکانات ؛ انجمن، فعالیتهایی داشته  
 است ولی حدود این فعالیتهای برگزار نماز جمعه و یا چند سخنرانی در کلیساهای

(۱) آدرس کامل این ۱۸ انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاههای آمریکا ؛ پیوست  
 این نامه بود ولی چون همه آنها با تکلیسی بود و در حدود دو صفحه از مجله را اشغال میکرد، از  
 چاپ آدرسها خودداری شد (مجله) .

۲- (1) Georgia, (2) Nebraska, (3) New Hampshire,  
 (4) New Jersey, (5) Tennessee, (9) Texas, (7) Washington  
 D. C. , (8) Puerto Rioco, (9) South Dakota, (10) Novaskotia,  
 (11) Edmenton (Alberta), (12) New Brunswick,

(۳) این قسمت از روی گزارش سالانه این انجمن در سال تحصیلی ۶۴ - ۱۹۶۳ تنظیم

گردیده است .

(۴) برای مقررات از این بعد انجمن بجای انجمن اسلامی دانشجویان بکار میرود .

مختلف و امثال آن تجاوز نمیکرده است تا اینکه از سال ۱۹۶۰ به بعد دانشجویان مسلمان متشکل تر شده و با همکاری دسته جمعی به دامنه فعالیت‌های خودشان وسعت بیشتری بخشیده اند. در سال تحصیلی ۶۳ - ۱۹۶۲ دامنه فعالیت‌های این انجمن وسیعتر شد و روح و فرم جدیدی در آن بوجود آمد که منشأ آثار زیادی بوده است. یکی از این آثار پیشنهاد و ابتکار تشکیل انجمن اسلامی دانشجویان در آمریکا و کانادا است که شرح آن بعداً خواهد آمد.

### اهداف‌های انجمن

بطور خلاصه میتوان اهداف انجمن را باین صورت خلاصه کرد: آشنائی با همدیگر، تبادل افکار، ایجاد هماهنگی فکری و عقیدتی بین دانشجویان مسلمان، بالا بردن سطح معلومات و اطلاعات اسلامی دانشجویان مسلمان و بوجود آوردن محیطی که در آن استعداد های فکری شکفته شود و همچنین معرفی اسلام به آمریکائیان و خارجیهای مقیم آنجا.

### فعالیت‌های انجمن

فعالیت‌های این انجمن را میتوان به سه دسته تقسیم کرد:

- ۱ - فعالیت‌های داخلی ۲ - فعالیت‌های داخلی - خارجی ۳ - فعالیت‌های خارجی.

### ۱ - فعالیت‌های داخلی

این فعالیت‌ها فقط برای اعضای انجمن منظور شده است.

**الف - نماز جمعه** - نماز جمعه یکی از اجتماعات باشکوه دانشجویان است که در آن عده قابل توجهی شرکت مینمایند. محل برگزاری نماز جمعه و بطور کلی سایر فعالیت‌های مشابه انجمن، ساختمان مخصوصی است که اختصاص به فعالیت‌های اجتماعی تمام دانشجویان دانشگاه دارد و به آن یونیون (۱) یا باشگاه دانشگاه میگویند. از طرف مسئولین انجمن اطاق مخصوصی برای برگزاری نماز جمعه آماده میشود که در آن ساعت بخصوصی، فقط به برگزاری نماز اختصاص دارد. هر روز یکی از دانشجویان امام و خطیب میشود. مطابق برنامه‌ای که توسط مسئول برنامه‌های اجتماعی تنظیم میگردد اسامی خطباء در چند ماه بعد، تعیین و چاپ میگردد، باین ترتیب هر کس موظف است تا روز مقرر خطبه خود را تهیه کند. متن خطبه با انگلیسی و معمولاً بین ۱۰ تا ۲۰ دقیقه طول میکشد. مطالب این خطبه‌ها بیشتر بررسی جنبه‌های اجتماعی اسلام و مشکلات مسلمانان میباشد. این خطبه‌ها کمک فوق العاده‌ای به تبادل افکار و هماهنگی دانشجویان مسلمان در کشورهای مختلف اسلامی مینماید.

**ب - مطالعه قرآن**

در این برنامه ، که هفته‌ای یک ساعت در روزهای شنبه غروب قبل از آغاز جلسات بحث و انتقاد تشکیل میگردد ، پس از قرائت چند آیه که قبلاً تعیین شده روی آن بحث بعمل می‌آید . هر هفته یکی از افراد مسئول مطالعه کتب تفسیر راجع به آیات تعیین شده ، میگردد تا ضمن مطالعه ، از نظر مفسرین نیز استفاده شود . در این جلسات چند نفر آمریکائی که علاقمند به فراگرفتن قرآن هستند نیز شرکت مینمایند .

**ج - برگزاری نماز جماعت ظهر یکشنبه**

روزهای یکشنبه ظهر که دانشجویان فرصت دارند در محل باشگاه دانشگاه نماز جماعت برپا میشود که در آن عده‌ای از دانشجویان شرکت مینمایند .

**د - ماه مبارک رمضان**

در ماه مبارک رمضان هنگام افطار دانشجویان در محل بخصوصی که باین منظور آماده میگردد گردهم جمع میشوند و بطور دسته‌جمعی افطار مینمایند ، شبها ، بخصوص شبهای احیاناً نماز جماعت و دعا برگزار میشود .

**ه - برگزاری نماز عیدین**

از طرف انجمن در دو عید اسلامی فطر و اضحی (قربان) برنامه و تدارکات نسبتاً مفصلی فراهم میشود .

هنگام عید فطر ، ساعت ۷ صبح قبل از تشکیل کلاسها ، نماز عید فطر برگزار میگردد . در این نماز گذشته از گروه کثیری از دانشجویان مسلمان دانشگاه ، عده‌ای از مسلمانان تیکه در شهرهای نسبتاً نزدیک زندگی میکنند ، شرکت مینمایند .

پس از برگزاری نماز و استماع سخنرانی یکی از دانشجویان که هر سال بمناسبتی ایراد میشود ، دسته‌جمعی به رستوران باشگاه دانشگاه که در همان ساختمان واقع شده میروند و از طرف انجمن با صبحانه پذیرائی بعمل می‌آید سپس بکلاسهای درس میروند .

شب و روز عید فطر جشن مفصلی برگزار گردید که در آن متجاوز از ۲۰۰ نفر شرکت کرده بودند که عده‌ای از آنها خارجی و آمریکائی بودند . گذشته از اجرای چند برنامه تفریحی بخصوص توزیع هدایا بین کودکان ، چند سخنرانی ، راجع بموضوعات مختلف اسلامی ایراد گردید .

بهین ترتیب در روز عید اضحی نیز نماز جماعت برگزار و پس از آن اجتماعاتی منعقد میگردد . (بقیه درص ۴۶)

## شکيبائى عجيب يك زن

- میفهمی چه میگویم ؟ من هرگز دست از محمد بر نمی‌دارم ، اورسول خداست ، از جان و دل باو ایمان آورده‌ام ، ایمان شوخی بردار نیست ، حالا فهمیدی ؟  
- بنا بر این ترا ترك نموده بشام خواهم رفت .

ام‌سلیم شانه‌هایش را با بی‌اعتنائی بالا انداخته ، خطاب به مسر ش‌مالک بن نصر چنین گفت :  
من هیچکس را بر خدا و رسولش مقدم نخواهم داشت و در صورتی ادامه زندگی من با تو امکان پذیر است که تو هم مسلمان شوی ؛ خدای یگانه را پرستی ، و برسالت محمد (ص) بنده بر گزیده اواقرار کنی .

مالک بن نصر که حاضر باسلام آوردن نبود ام‌سلیم را ترك نموده بشام رفت و همانجا نیز وفات یافت . ام‌سلیم از مالک بن نصر فرزندى داشت بنام انس در تربیت و نگهداری او سخت می‌کوشید و هر گاه خواستگاری برای او می‌آمد میگفت : من شوهر اختیار نمیکنم تا وقتی که انس بزرگ شود و بگوید : خدا بدارم جزای خیر دهد که خوب از من نگهداری کرد و وظیفه مادری را نیکو انجام داد .

موقعی که رسول الله وارد مدینه شده هر کس برای حضرتش پیش کشی می‌برد . ام‌سلیم دست فرزند خود انس را گرفته خدمت رسول خدا برد و عرضه داشت : هر کس باندازه توانائی خود هدیه‌ای حضورتان تقدیم داشته من چون چیزی ندارم فرزندم را آوردم تا اگر قابل خدمت باشد بخدمتگذاری حضرتتان مشغول باشد . رسول خدا او را پذیرفت ، و این همان انس بن مالک خادم معروف رسول الله است .

ام‌سلیم با بهترین که **پن** زید بن سهل معروف با بوطلحه که از مردان معروف مدینه بود **بخانه شوهر میرود** ولی هنوز بشرف اسلام نائل نگشته بود بخواستگاری ام‌سلیم رفت و باو پیشنهاد ازدواج کرد ، ام‌سلیم در جواب ابو بطلحه گفت : خدائی که می‌پرستی قطعه چوبی است که از زمین روئیده و بعد دست کارگر نجاری آنرا بصورت بنی در آورده است اینطور نیست ؟

- چرا صحیح است من بت می پرستم !

- چه اندازه شرم آور است که انسان در مقابل بتی که تراشیده دست اوست بزانو درآید و او را پرستش کند ، من صریحاً میگویم : با اینکه از هر جهت تراشایسته همسری خود میدانم ، و لیاقت و بزرگی ترا قبول دارم مع ذلك چون بت می پرستی نمیتوانم با تو ازدواج کنم ولی اگر مسلمان شدی ...

- پس اجازه بده ادراین موضوع فکر کنم شاید منمهم حقیقت خدا پرستی را درک نموده بدین تو درآمدم

- بسیار خوب ! فکر کن کابین من مسلمان شدن تست ، و جزاین من از تو مهری نمی خواهم .

ابو طلحه از نزد ام سلیم خارج شد و پس از مدتی تفکر و اندیشه نزد ام سلیم باز گشت و گفت : اینک حاضر م بدین تو درآیم ، شراطش را بگو !

- بایستی دست از شرک و بت پرستی بکشی . و خدای یگانه را پرستی و به نبوت محمد (ص) بنده برگزیده او اقرار نموده از جان و دل شهادتین برزبای جاری کنی .

ابو طلحه شهادتین گفت . و ام سلیم این کابین بزرگ و پر ارزش را که بر هر مال و منالی ترجیح دارد پذیرفته بعقدا و درآمد ...

\* \* \*

این زن و شوهر با کمال مهر و محبت زندگی مشترکی را با هم در خانه ای کنار شهر مدینه آغاز کردند . طولی نکشید خداوند پسر ی با نهاد داد که نامش را ابو عمرو گذاردند ابو طلحه شبهارا بیشتر عبادت میکردانید و روزها را روزه میگرفت و در قطعه زمینی که در خارج شهر داشت بزراعت میپرداخت فرزندان نیز کم کم بزرگ شد و پدر را در زراعت کمک میکرد .

یک روز صبح که از خواب برخاستند چهره برافروخته و مضربان شدید نبض ابو عمرو گواهی میداد که تب شدیدی او را می سوزاند و شب را نیز بنا را حتی گذرانده است .

ام سلیم خطاب بفرزندش گفت : تو امروز تب داری و نمیتوانی بصحرا بروی در خانه استراحت کن و من وسایل معالجه ترا فراهم می کنم .

ابو طلحه : منمهم از غصه فرزند نمی توانم دنبال کار بروم بنا براین در خانه میمانم تا خدا او را شفا دهد .

- نه ! ماندن تو در خانه ثمری ندارد ، طبیب که نیستی اگر دنبال کار هم نروی ، از کجا ما را معاش کنیم ؟ از کجا تهیه دو و غذا برای فرزند مریضان نصائیم ؟ بهتر است که تو دنبال کارت بروی منمهم به پرستاری او مشغول میشوم تا خدا چه خواهد .

ابو عمرو روز بروز بدتر میشد ، تب شدیدتر ، و التهاب بیشتر ، معالجات معموله هم

اثری نبخشید، یکروز عصر در غیاب پدر و در کنار مادر جان پجان آفرین تسلیم کرد.

مادر غم‌دیده که ناظر جان دادن فرزند بود سیلاب اشک ازدیدگان فرو ریخت و در عین حال مواظب بود که سخنی بر خلاف رضای پروردگار بر زبان جاری نکند و صدای شیون و زاری او همسایگان را نیازارد.

کم‌کم روز بپایان میرسید. و خورشید اشعه خود را از روی زمین جمع میکرد، اندیشه دیگری ام‌سلیم را بخود مشغول ساخت: باغروب آفتاب ابو طلحه بخانه بر میگردد بیچاره از صبح تا غروب در صحرا کار کرده، خسته‌شده، رنج‌فراوان دیده، روزه‌هم بوده‌است، غصه‌پسرنیز این روزها بیشتر او را افسرده کرده حال اگر بخانه بیاید و خبر مرگ پسر را بشنود حتماً افطار نخواهد کرد، اندوه فراوان و خستگی بسیار و بی‌غذائی ممکن است او را نیز از پا در آورده مریض و بستری کند، در این صورت چه باید کرد؟ آیا بهتر نیست که مرگ فرزندان را فعلاً از پدر پوشیده‌دارد؟ مگر با اشک و آه‌مرده زنده میشود؟ مگر جلوی قضا و قدر را میتوان گرفت؟ مگر نه این است که فرزند آدم با یتی بمرد و شربت ناگوار مرگ را بچشد چه بهتر که از مرگ با آغوش باز استقبال کند، مگر کلام خدا نیست که میفرماید: ماشا را امتحان می‌کنیم بچیزی از خوف و گرسنگی و نقص در مالها و جانها و میوه‌ها پس مرده‌بده بصابران آنها که وقتی گرفتار مصیبتی می‌شوند میگویند ما از خدائیم و پسوی او باز میگردیم، درود و رحمت خدا بر آنها.

این افکار مدت کوتاهی مادر غم‌دیده را بخود مشغول داشته‌سپس بیدرنک تصمیم خود را گرفت و با عزمی راسخ و قلبی سرشار از ایمان بخدا از جای برخاست و جنازه فرزندان در گلیبی پیچید و با طاق مجاور برد و در گوشه‌ای گذارد.

خانه را فوری جار و بزد، اطاق را مرتب کرد، دست و صورت خود را شست، سر و وضع خود را آراست، و خویشان را خوشبو نموده آماده استقبال شوهر گردید.

طولی نکشید ابو طلحه وارد شد، ام‌سلیم از او استقبال کرده سلام و خوش آمد گفت، ابو طلحه پرسید بگو بدانم حال فرزندانم چگونه‌است و الآن کجاست؟

— خدارا شکر امروز عصر تب فرزند ما قطع شد، آنها بش تمام گشت؛ دیگر ناراحتی همه‌روزه را ندارد، و اکنون درس‌کون و آرامش عمیقی فرورفته‌است، او راست می‌گفت تب و التهاب ابو عمر و با مرگه او قطع شده بود اما پدر خیال می‌کرد فرزندش سلامت خود را بازیافته‌است، خواست با طاق او برود و حالش را از نزدیک مشاهده کند ام‌سلیم گفت: نه! اصلاح نیست او تازه بخواب رفته است بگذار بخوابد اکنون غذا حاضر است شام را صرف نموده استراحت کن تا فردا صبح ...



ابوطلحه خوشحال شد و پس از چند روز غم ورنج فراوان آنشب را با آسودگی شام خورد و به بستر رفت و با ام سلیم بسر برد . ام سلیم نیز برای این که شوهر آنشب را بیارم و از مرگ فرزند خبردار نشود چیزی نگفت . . .

با صدای اذان بلال ابوطلحه و ام سلیم از خواب بیدار شدند پس از ادا نماز صبح همینطور که ابوطلحه رو قبله نشسته بود ، ام سلیم گفت : راستی از تو سوآلی داشتم !

یک خانواده در همسایگی ما مناعی از همسایه خود بعاریت گرفته بودند پس از مدتی صاحب متاع فرستاده که متاع خود را پس بگیرد آنها همگی گریه وزاری سرداده اند که ما با این متاع توانس گرفته ایم بنا بر این مقدور ما نیست که متاع تو را واپس دهیم نظر تو درباره ایشان چیست ؟

- آنها همگی دیوانه اند ! چون با صاحب متاع است . پس دادن عاریه و امانت ، گریه وزاری ندارد انس و الفت چیست ؟ باید متشکر هم باشم که مدتی متاع را در اختیارشان گذارده آنها نیز استفاده ها برده اند .

- عجب ! پس دادن عاریه و امانت غصه ندارد ؟

- نه !

- بنا بر این شوهر عزیزم با کمال تأسف باید بتو بگویم که خداوند متعال امانتی را که چند سال قبل بمادر رحمت فرموده بود دیر روز عصر از ما گرفت .

- نفهمیدم روشن تر بگو !

- فرزند عزیزم آنکه امانت پروردگار بود دیر روز بجوار رحمت خدا رفت خدایش بیامرزد .  
- آه ابو عمرو مرد آه پسر !

- شوهرم گریه وزاری تو بهبوده است ! مرده زنده نمی شود ، خودت هم گفتی گریه وزاری در مورد رد عاریه و امانت دیوانگی است ، بنا بر این صبر کن ، شیطان را بخود راه مده که خدا صابران را دوست دارد . همین الآن برو رسول خدا را خبر کن بیاید و در مراسم تجهیز و تکفین فرزندمان شرکت فرماید .

ابوطلحه رفت طولی نکشید بار سوخدا و جمعی از یاران برگشت ، و فرزندشان را طی مراسمی بخاک سپردند ؛ رسول الله آنها را دلداری داد و از صبر و بردباری ام سلیم تعجب نموده فرمود : خداوند دیشب شمارا مبارک گرداند و از این فرزند بهتر نصیب شما کند .

فاضلترین پسر از ام سلیم همانشب از ابوطلحه باردار شده بود فرزندش آورد که او را فرزندان انصار عبدالله بن ابی طلحه نامیدند و از اصحاب امیر المؤمنین علی (ع) بود

محدث قمی اورا در کنی واللقاب وسفينة البحار یکی از بهترین فرزندان انصار شمرده .  
**ام سلیم در غزوات** ابن حجر در الاصابه (۱) می نویسد ام سلیم در غزوات رسول الله شرکت  
**بارسول الله شرکت** می جست و داستانهای از شجاعت او نقل شده که مشهور است . من جمله  
**هیگردد** می نویسد : در جنگ حنین خنجر بدست داشت و پیش روی رسول الله  
 ایستاده بودا بوطلحه باو اشاره نموده و گفت یا رسول الله این ام سلیم است که خنجر بدست  
 دارد . رسول خدا فرمود: آری خنجر بدست گرفته تا اگر یکی از مشرکین آهنگ حمله من نمود  
 از من دفاع کند (۱) .

(۱) الاصابه فی تمییز الصحابه لابن حجر العسقلانی متوفی ۸۵۲ هـ ص ۴۴۲ ج ۴

سفينة البحار در ماده عبد ، الكنى واللقاب محدث قمی .

### (دقیقه از صفحه ۴۹)

#### و - تهیه کتاب برای اعضاء

همچنین : برای بالا بردن اطلاعات اسلامی اعضاء ، انجمن کوشش میکند کتب اسلامی  
 را تهیه و در اختیار آنها قرار دهد . در این سال چند سری کتاب سفارش داده شده است که از بین  
 آنها «قرآن مجید - بسوی درك اسلام (۱) - محمد (ص) آخرین پیامبر» را میتوان  
 نام برد .

#### ز - گردشهای دسته جمعی

از آنجا که برنامه سنگین تحصیلی دانشجویان را از نظر فکری خسته میسازد و احتیاج به  
 تفریح دارند ، انجمن با ترتیب گردشهای دسته جمعی باین احتیاج نیز پاسخ مثبت میدهد . این  
 گردشها با توجه به مواقع و تعداد روزهای تعطیل ؛ بمدت يك تا چند روز انجام میشود ، و با اجرای  
 برنامه های متنوع و مختلف وسائل تفریح سالمی فراهم میسازد . این برنامه که مجال  
 بیشتری برای تماس دانشجویان مسلمان در کشورهای مختلف فراهم میسازد ، در ایجاد روح  
 صمیمیت و اخوت و تبادل افکار و هماهنگی آنان کمک مؤثری مینماید .

(1) Towards understanding Islam